



دانشگاه گیلان و بوخارا
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته (زبان و ادبیات فارسی)

عنوان:

خوش بینی و بدبینی در شعر شاعران زن معاصر (فروغ
فرخزاد، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده)

استاد راهنما:

دکتر احمد رضا کیخافرزانه

استاد مشاور:

دکتر مریم شعبانزاده

تحقیق و نگارش:

زهره پودینه

بهمن 1389

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان
قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد توسط دانشجو با
راهنمایی استاد پایان نامه تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی
با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما:

استاد راهنما:

استاد مشاور:

داور 1:

داور 2:

نماینده تحصیلات تکمیلی:

تعهدنامه اصالت اثر



اینجانب تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع‌گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضاء

چکیده

شاعر زن معاصر دردها و آمال خود را در شعرهای خود منعکس می‌کند و به بیان آنها می‌پردازد. اندیشه‌های او مبتنی بر حوادثی است که در پیرامون او اتفاق می‌افتد و در این میان می‌توان به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی نیز در میان شعرهای آنان پی برد. طرز تفکر این شاعران نسبت به مسائلی که در اطراف آنها اتفاق

می‌افتد بسیار مهم است زیرا آنها با حساسیت روحی و عاطفی فوق‌العاده‌ای که دارند، از حوادث پیرامون خود به شدت تأثیر پذیر هستند .

هدف از انجام این تحقیق بررسی عامل خوش بینی و بدبینی در شعر سه شاعر معاصر (فروغ ، سیمین ، صفار زاده) است .

کلیدواژه‌ها : خوش بینی ، بدبینی ، شعر معاصر ، شباهت‌ها ، تفاوت‌ها .

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

| | |
|----|--|
| | فصل اول: مقدمه |
| | 1-1- مقدمه |
| 1 | فصل دوم: بدبینی و خوش بینی در ادبیات فارسی و دوره های مختلف آن |
| 2 | 1-2- معانی و مفاهیم بدبینی و خوش بینی |
| 3 | 2-2- آیات و احادیث |
| 4 | 3-2- دوره های ادب فارسی |
| 4 | 4-2- قرن چهارم و اوایل قرن پنجم |
| 10 | 5-2- آغاز عهد سلجوقی تا انقراض دولت خوارزمشاهی |
| 11 | 6-2- قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم |
| 14 | 7-2- قرن هفتم و هشتم |
| 18 | 8-2- پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری |
| 19 | 9-2- قرن نهم و آغاز قرن دهم |
| 21 | 10-2- اوایل قرن دهم تا میانه ی قرن دوازدهم |
| 25 | 11-2- دوره ی مشروطه |
| 30 | 12-2- دوره ی آرمانگرایی |
| 31 | 13-2- دوره ی درونگرایی |
| | فصل سوم: زندگی، احوال و افکار شاعران |
| 34 | 1-3- فروغ فرخزاد |
| 38 | 2-3- سیمین بهبهانی |
| 44 | 3-3- طاهره صفارزاده |
| | فصل چهارم: بدبینی و خوش بینی در شعر فروغ |
| 48 | 1-4- بخش 1: بدبینی |
| 48 | 2-4- ناامیدی و اندوهناکی |
| 61 | 3-4- عصیان و اعتراض |
| 67 | 4-4- مرگ |
| 70 | 5-4- ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد |
| 73 | 6-4- فروغ و بوف کور |
| 75 | 7-4- فروغ و شاملو |
| | 8-4- بخش 2: خوش بینی |
| 77 | 9-4- ایمان و روشنی |
| 82 | 10-4- پنجره |
| 86 | 11-4- پروازورهای |
| 87 | 12-4- آفتاب و نور |
| 90 | 13-4- باغچه |
| 92 | 14-4- عشق |
| 95 | 15-4- مضمونهای دیگر |
| | فصل پنجم: بدبینی و خوش بینی در شعر سیمین |

| | | |
|-----|--|------|
| 98 | بخش 1: بدبینی..... | -1-5 |
| 98 | اعتراض به نابرابریها..... | -2-5 |
| 109 | ستم و ستمگری..... | -3-5 |
| 113 | بیهوده زیستن همراه با درد..... | -4-5 |
| 121 | بخش 2: خوش بینی..... | -5-5 |
| 121 | جهان گرایی..... | -6-5 |
| 123 | زن..... | -7-5 |
| 128 | وطن و جامعه..... | -8-5 |
| 132 | امید و عشق..... | -9-5 |
| | فصل ششم : بدبینی و خوش بینی در شعر صفارزاده..... | |
| 144 | بخش 1: بدبینی..... | -1-6 |
| 144 | درد، تاریکی و سیاهی..... | -2-6 |
| 147 | سردناکی و ناامیدی..... | -3-6 |
| 150 | دشمنی و ستمگری..... | -4-6 |
| 153 | بخش 2: خوش بینی..... | -5-6 |
| 153 | آزادی و بیداری..... | -6-6 |
| 160 | قیام و شهادت..... | -7-6 |
| 165 | صدای ناب اذان..... | -8-6 |
| 169 | روشنایی و امید..... | -9-6 |
| | نتیجه گیری..... | |
| | فهرست منابع..... | |

فصل اول

مقدمه

مقدمه

ادبیات در ایران به علت حوادث گوناگون همواره در معرض آسیب قرار داشته است و این شرایط اجتماعی و مسایل ناشی از آن بر روح و پیکره ی ادبیات صدمه های زیادی را وارد کرده است. یکی از این آسیب ها که موجب نابودی بسیاری از کتاب های ادبیات شد، حمله ی مغول بود. با حمله ی مغول و بدبختی های حاصل از آن یأس و ناامیدی در همه جا رواج پیدا کرد و موجب نوشتن و سرودن مفاهیم بدبینانه و یأس انگیز شد. خوشی و ناخوشی در ادبیات فراوان بوده است و شاعران دردها و غم ها و شادی های خود را در شعر های خود بیان کرده اند.

در این تحقیق به بررسی خوش بینی و بد بینی در شعر سه شاعر زن (فروغ ، سیمین و صفار زاده) پرداخته می شود بدبینی مفهومی است که به نظر می رسد در شعر فروغ بسیار مورد توجه قرار گرفته است زیرا اشعار او این مورد را منعکس می سازند .

هر شاعری ممکن است نسبت به اوضاع پیرامون خود نظر خاصی داشته باشد. اگر دردمند باشد و مسایلی که اتفاق می افتد برای او مهم باشد، ممکن است در شعر او نیز تأثیر گذار شود و اندیشه اش را دگرگون کند. شاعری که به مسایل اطراف خود توجه ندارد و در عالم بی خبری به سر می برد، حوادث پیش آمده در اجتماع نمی تواند بر شعر او تأثیر بگذارد.

مباحث این تحقیق در شش فصل آمده است که در فصل دوم به بررسی خوش بینی و بدبینی در ادبیات و دوره های مختلف آن و در فصل سوم به زندگی شاعران، احوال و افکار آنها پرداخته ام . در سه فصل آخر ؛ خوش بینی و بدبینی از نگاه این سه شاعر مورد ارز یابی قرار می گیرد .

1-1 تعریف مسأله: در این تحقیق کتاب های مربوط به هر کدام از شاعران مورد توجه قرار گرفته است و

دیدگاه های مختلف که راجع به آن ها آمده است، مورد بررسی قرار گرفته است. این که شعر هر شاعری بسته به موقعیت موجود در آن ممکن است تغییر کند و گاهی شاد و گاهی غمگین شود. در کتاب های بررسی شده، به خوش بینی و بدبینی و دیدگاه بهبهانی و صفارزاده کمتر پرداخته شده است و تنها شاعری که بیشتر مورد بررسی قرار گرفته، فروغ فرخزاد است.

1-2 اهمیت موضوع: خوش بینی و بدبینی در طول تاریخ ادبیات بسیار مهم بوده اند و شاعران زیادی در

مورد آن سخن گفته اند. آن ها دردها، غمها، شکست های خود را در زندگی همواره با بیانی تلخ همراه می کرده اند و با خواندن شعر آن ها، تلخی شعرشان همواره احساس می شده است.

در دوره های مختلف، ما به اشعاری بر می خوریم که دردهای اجتماعی را بیان می کنند، و بیان این دردهای اجتماعی ممکن است در بیان شاعرانه ی هر شاعر و یا نثر هر نویسنده متفاوت باشد.

برداشت هر شاعری از بدبینی یا خوش بینی ممکن است متفاوت باشد و همین تفاوت دیدگاه، تفاوت های شعری را هم ایجاد می کند. شاعرگاهی با قدرت خلاقیت خود می تواند این دردها و آلام را به خوبی بیان کند، طوری که بسیار تأثیرگذار باشد.

امید و ناامیدی در شعر هر شاعر بسیار تأثیرگذار است و حتی اگر نسبت به شاعر هم شناخت نداشته باشیم با خواندن شعر او می توانیم مفاهیم بدبینی و یا خوش بینی را درک کنیم.

شاید مفاهیمی وجود داشته باشد که دیدگاه چند شاعر در مورد آن متفاوت باشد. و یا یک شاعر با لحنی آمرانه دردهای جامعه ی خود را بیان کند و شاعری دیگر با زبانی تلخ و گزنده این مفاهیم را خلق کند. می توان نمونه ی تلخی بیان را در طنزهای عبید زاکانی دید.

در حمله ی مغول و این بلای خانمان سوز، همه چیز نیست و نابود شد. تلخی و سیاهی همه جا را فراگرفت و حتی قدرت شاعری و نویسندگی از میان رفت. با آمدن افراد کارآمدی در دستگاه قدرت مغولان که بعضی از این افراد نویسندگانی چیره دست بودند، امید به نوشتن دوباره به زبان مادری قوت گرفت و این نویسندگان با قدرت نویسندگی خود، امید و ناامیدی خود را در کتاب های خود بیان می کردند و داد سخن می دادند، طوری که مغول ها این نوشته ها را درک نمی کردند .

3-1 ضرورت انجام تحقیق : در مورد بدبینی و یا خوش بینی کتابی نوشته نشده است و به چاپ نرسیده است. تنها موضوعاتی که به آن ها پرداخته شده است، کتابی است با عنوان «بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر» نوشته ی شهربانو حسین زاده، و همچنین پایان نامه ای با عنوان « بررسی دلتنگی در آثار شش شاعر زن معاصر (بهبهانی، راعی، صفارزاده، فرخزاد، کاشانی و سمقی)» (1377) که در کتاب مورد نظر تنها به بیان موضوعات مختلف و نظریات متفاوت آن ها پرداخته شده است و در پایان نامه ی مورد نظر تنها به بررسی دلتنگی این شاعران پرداخته شده است؛ اما به دو مفهوم خوش بینی و بدبینی همراه با هم توجه نشده است . بنابراین در مورد این تحقیق و موضوع مورد نظر اثر جمعی وجود ندارد و اثری دقیق و علمی در مورد این موضوع یافت نشده است و تنها گلچینی از نظریات و افکار شاعران مورد نظر ارائه شده است و در مورد این موضوع به طور خاص نوشته ای مطرح نشده است.

بحثی که در مورد این موضوع ارائه می شود، اندیشه ها و افکار این شاعران را در مورد خوش بینی و بد بینی بیان می کند و کمک شایانی به شناخت اندیشه ها ی آنان به ویژه در این زمینه خواهد کرد و پایگاه و جایگاه اندیشه ها و افکار آن ها، نشان داده خواهد شد و اینکه خوش بینی و یا بدبینی تا چه اندازه بر شعر آن ها تأثیر گذار بوده است.

خوش بینی و بدبینی ریشه در تفکر انسان ها و دید آن ها به جامعه ای که در آن به سر می برند و زندگی می کنند، دارد. ممکن است کسی تحت تأثیر حادثه ای بسیار اندوهگین شود و همان زمان چیزی در قلب و روح او بدمد و او را با آن حادثه و یا اتفاق همراه کند.

4-1 پرسش اصلی : خوش بینی و یا بدبینی در دیدگاه یک شاعر و یا یک نویسنده از حسّ او به آن چه در اطرافش می گذرد، مایه می گیرد و ممکن است این حس در یک شاعر پر رنگ تر جلوه کند و در نظر شاعری دیگر جلوه ی کمتری داشته باشد. احساس های شاعران و نویسندگان ممکن است، در زمان هایی با هم، همسو و همانند شود و از افکار و نظریات آن ها، مفاهیم یکسانی دریافت شود. این که این حسّ خوش بینی و بدبینی از کجا مایه می گیرد و عامل آن چیست، موضوعی است که به آن پرداخته خواهد شد و همچنین تفاوت ها و شباهت های موجود در شعر این شاعران مورد توجه قرار خواهد گرفت.

5-1 فرضیه: خوش بینی و بدبینی ریشه در اعتقادات و اندیشه های مردم دارد و این اندیشه ها و افکار آن ها با هم متفاوت می شود، زیرا دیدگاه افراد گوناگون و متفاوت است و به همین دلیل ممکن است، دید خوش بینانه و بدبینانه ی آن ها با هم فرق داشته باشد.

بر اساس دیدگاه هر یک از افراد، دید او هم تغییر می کند. ممکن است اندیشه های عرفانی در تار و پود جان کسی رخنه کرده باشد و عشق به خداوند اندیشه های خوش بینانه را در وجود او تعالی بخشیده باشد و یا بر پایه ی آزاد اندیشی و تفکرات آزاد، دید فرد نسبت به دنیای خود تغییر کند و خوش بینانه بیندیشد. در این تحقیق به این موارد پرداخته می شود.

6-1 اهداف تحقیق: در این تحقیق به بررسی دقیق اندیشه های این شاعران پرداخته می شود و نکات مثبت و منفی که در دیدگاه آن ها وجود دارد نشان داده می شود و همچنین به همانندی ها و تفاوت های موجود در افکار آن ها توجه خواهد شد و مفاهیمی که خوش بینی و بدبینی را به وجود آورده اند، مورد توجه قرار خواهد گرفت.

7-1 روش تحقیق: در آغاز تحقیق منابع مربوط به این تحقیق شناسایی شد و این کتاب ها مورد مطالعه قرار گرفت، فیش برداری از مطالب مورد نظر آغاز شد و مطالب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش تحقیق و مراحل علمی و اجرای طرح به صورت زیر می باشد:

1- مراجعه به کتاب ها و مقاله های مختلف در ارتباط با موضوعات خوش بینی و بدبینی

2- یادداشت برداری مطالب مربوط به بحث مورد نظر

3- خواندن دقیق کتاب های مورد نظر و استخراج مفاهیم مربوط به آن ها

4- تحلیل مطالب و نتیجه گیری از مباحث مطرح شده

5- ویرایش و تایپ تحقیق

1-2 مضامین خوش بینی و بدبینی همواره در شعر شاعران کاربرد فراوان داشته است و زمان هایی که شاعر دریأس و ناامیدی به سر می برده است اشعار او غمگینانه، و زمانی که از خوشی و شادی سرمست بوده است اشعار او شادمانه بوده است. این یأس و ناامیدی بر وزن شعر هم تأثیرگذار بوده است و اشعار غمگین دارای وزنی سنگین و اشعار شاد دارای وزنی ضربی بوده اند. در فرهنگ لغت دهخدا برای واژه ی خوش بینی و بدبینی این معانی آمده است:

«خوش بینی: حالت خوش بین. با نظر خوب به امری نگریستن. بدبینی: عمل بدبین. به بدگمانی نگریستن در امری یا درهمه ی امور. بدبینی کردن: به دیده ی سوءظن در امور نگریستن.

در اصطلاح فلسفه، اعتقاد به اینکه جهان پراز بدبختی یأس و حرمان است.» (دهخدا، 133: 4440 و 10113)

در فرهنگ لغت معین نیز در مورد واژه های خوش بینی و بدبینی این مفاهیم آمده است:

«خوش بینی: 1- به نظرنیک در جهان و جهانیان نگریستن. 2- اعتقاد به این که جهان پراز لطف و صفا و سعادت است. بدبینی: عمل بدبین به بدگمانی نگریستن در امری یا درهمه ی امور. 2- اعتقاد به اینکه جهان پراز بدبختی و یأس و حرمان است.» (معین، 1375: 334 و 1027)

این معانی نشان می دهد که با دید خوب یا بد به جهان نگریستن است که زندگی انسان ها را می سازد. این امید و ناامیدی درهمه ی جوامع بشری و در طول تاریخ رواج داشته است. یأس و ناامیدی ممکن است درهمه ی جوامع تعریف یکسانی داشته باشد، زیرا احساس انسان ها با یکدیگر مشترک است و در زمان های بسیار قدیم همه ی انسان های اولیه در یک جا و با هم زندگی می کرده اند و به همین علت است که بیشتر ملت ها دارای ریشه های داستانی یکسانی هستند که از همین زندگی کردن با یکدیگر ناشی شده است.

2-2 در میان مضامین قرآنی و احادیث نیز به نوشته هایی پی می بریم که حکایت از امید و ناامیدی دارند و ما را به آن ها فرا می خوانند.

تعابیر مربوط به امید و ناامیدی در قرآن با کلماتی مانند خوف و رجا بیان شده است. خداوند در قرآن مومنان را به بهشت امید می دهد و می فرماید:

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ.» (بقره 25)

خداوند همچنین درقرآن به پیامبری فرماید که ما برای بیم و بشارت دادن تو را فرستادیم:

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ.» (بقره 119)

همچنین در احادیث نیز این مفاهیم آمده است. ابی عبدالله علیه السلام می فرماید:

مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَنْفَى وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَرَجَاءٌ لَا يَنْتَلِ.

«کسی که به دنیا دل بسته و در بند علاقه اش اسیراست همواره گرفتار سه حالت روحی است: غصه و اندوهی که هرگز از صفحه ی دلش زدوده نمی شود ، آرزویی که هرگز برآورده نمی گردد ، و امیدی که هرگز به آن دست نمی آید» .

(فرید، 1366: 12)

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «کشتی در دریا می شکنند. مسافركشتی اسیردست امواج خروشان دریا می شود. در آن نزدیکی نه کشتی دیگری است که او را برهاند و نه شناگرتوانایی است که نجاتش دهد. تمام درها را بسته می بیند، به هیچ چیز و هیچ کسی امید ندارد. در آن وقتی که در آب غوطه وراست، در آن موقع حساس، در آن لحظه ی خطرناک، در آن حال سراپا یأس و ناامیدی، تنها یک امید فطری، یک تکیه گاه وجدانی درخود حس می کند از اعماق قلبش، از زوایای وجدان و باطنش یک نور امید زبانه می کشد، دلش به یک قدرت نامحدود و توانا توجه می کند، از او کمک می خواهد، تنها اوست که می تواند نجاتش دهد و او را از این ورطه ی هولناک برهاند. آن حقیقت، آن قدرت، آن تکیه گاه امید، آن چیزی که دل با التماس به او می نگرد «خدا» است.»

(همان، 1366: 32)

امام صادق از نورامیدی سخن می گوید که در درون وجدان های بیدار وجود دارد و به آن ها امید دوباره می دهد و او را از یأس و ناامیدی که گرفتار آن شده است نجات می دهد و این نور مطلق و همیشگی خداوند است.

امید و ناامیدی در تمام ادوار بشری وجود داشته است و دردوره های مختلف شعر فارسی نیز پدیدار بوده است. شعرهایی از شاعران از یأس و ناامیدی آن ها حکایت می کند که ممکن است زندگی خانوادگی آن ها و جامعه ای که در آن زندگی می کرده اند، موجب آن شده باشند.

این بدبینی و خوش بینی در تمام دوره های ادبیات فارسی رواج داشته است و بر فرهنگ موجود بر جامعه نیز تأثیر گذار بوده است و فرهنگ و جامعه ای که در آن مفاهیم خوش بینانه جریان داشته باشد بر تمام افکار تأثیر گذار بوده است و جامعه را به سوی

سرخوشی و نشاط پیش می برد، اما جامعه ای که در آن روح سرخوردگی و افسردگی رواج دارد، فرهنگ و درونمایه ی آن جامعه نیز به سوی ناامیدی و دل شکستگی پیش خواهد رفت.

2-3 دوره های ادب فارسی

«2-4 قرن چهارم در ایران دوران غلبه و رواج سیاست نژادی خواه، در حکومت و اداره ی کشور خواه در امور اجتماعی و احیاء و حفظ و ادامه رسوم و آداب ملت و فرهنگ ایرانیست. در این دوره ملت ایران بر اثر مجاورت قرون پیشین توانست استقلال از دست رفته را تجدید کند و زبانی مستقل با ادبیات پر ثروت آن بر کرسی نشاند. این دوره عهد مفاخرات به نژاد و ملیت ایرانی و آزادی افکار و عقاید فرق مختلف و عدم تعصب امرا و حفظ سیاست ملی و نژادی ایرانیان شمرده می شود و به همین سبب پایه ی حماسه های ملی فارسی در این دوره گذاشته شده است. این احوال درست متناقض با اوضاعی است که از قرن پنجم به بعد در ایران ایجاد شد و بر اثر آن توجه به ملیت و افتخارات قومی و حریت عقاید و آزاد آراء از قیود تعصب متروک ماند.» (صفا، 1383: 60 - 61)

«در ابتدای این عهد (قرن چهارم و نیمه ی اول قرن پنجم) رودکی استاد شاعران و در اواخر آن فردوسی و عنصری در استاد مسلم شعر پارسی زندگی می کردند. کمتر دوره ای از ادوار ادبی فارسی است که این همه شاعر استاد بزرگ آن هم از یک ناحیه ی محدود، در آن زندگی کرده اند علت اساسی این توسعه و رواج روز افزون شعر تشویق بی سابقه شاهان از شاعران و نویسندگان بود. سامانیان خصوصاً به نثر و نظم پارسی شائق بودند. شاعران پارسی گوی را تکریم می نمودند.» (همان، 1383: 91 - 92)

در این عهد همه ی مردم در رفاه کامل به سر می بردند و این خوشی و شادمانی ناشی از رفاه کامل موجب این شده بود که شاعران و نویسندگان در نوشته های خود همواره از خوشی و شادی سخن بگویند و کمتر از ناکامی و یأس سخن به میان بیاورند.

«شعر و ادب گرچه از ابتدای پیدایش روزانه مراحل کمال را می پیمود و لیکن آن در دوره ی غزنویان به اوج ارتقاء و اعتلاء رسید. فردوسی، اسدی توسی، عنصری، فرخی، حکیم سنایی و منوچهری که از نوابغ شعرای زبان فارسی شمرده می شوند، یادگار همین عصر می باشند. محمود غزنوی علاوه بر این که فاتح و کشورستان بود در علم و فضل نیز درجه کمال را دارا بود. او در ترویج و اشاعت و انتشار شعر و ادب توجه خاص مبذول داشت اداره ی مستقلی برای آن تشکیل داده و ریاست آن را بر

عهدہ ی عنصری گذاشته بود. او به شاعران مختلف بذل و بخشش می کرد و غرض او از این بذل و بخشش ترویج شعر و ادب و انتشار تاریخ بوده است نه ستایش شخص خود او. « (شہلی نعمانی، 1363: 45 - 46)

شعرا این دورہ نمونہ ی کامل روحیہ ی خوش بینی درافکارشاعران ونویسندگان است. در این دورہ ہمہ چیزشاد است ومردم نیز در عہدی بہ سومی برند کہ اسباب و وسایل خوشی وشادی بہ طور کامل در دسترس همگان است وهمہ بہ خوبی از این اسباب استفادہ می کنند. ہمہ چیز امن وامان است وهیچ گونه دل مشغولی وحسرتی در درون دل آن ها وجود ندارد کہ بخواہد موجب ناراحتی ورنجش خاطر آن ها شود.

در شعراشاعران نیز نمونہ ی کامل این روحیہ ی شاد بہ خوبی نمایان است ، زیرا آن ها ہرچہ در طبیعت و اطراف آن ها اتفاق می افتد در شعر خود بیان می کنند وهمہ چیز در شعر آن ها از خوبی وخوشی مایہ می گیرد و پادشاهان آن زمان نیز با شاعران طوری رفتار می کردند کہ مایہ ی دلخوشی آن ها می شود و درم و دینارهایی کہ در مقابل ہر شعراشاعران نثار آنان می شود، موجب می شود کہ بہ ادامہ ی زندگی شاد خود امیدوار شوند.

« در آغاز سده ی پنجم گرچہ وقفہ ای در ترقی شعر و شاعری روی داد کہ علتش این بود کہ در نیمہ ی سده ی مزبور سلطنت غزنویان رو بہ زوال نہاد و حکومت تازہ ای ہم کہ روی کار آمدہ بودند ہنوز در آن ها رونقی پیدا نشدہ بود لیکن در اواخر قرن وقتی کہ شوکت و اقتدار خاندان غزنوی تماماً بہ سلجوقیان انتقال یافت، یک دفعہ انقلابی در شعرو سخن روی داد ، زیرا سنجر بہ شعر و ادب اهمیت زیادی می داد.» (ہمان ، 1363 : 159)

« نصر بن احمد زمانی سفری بہ ہرات کرد ایام بہار و صحرا و دشت سبز و خرم بود شاہ شیفتہ ی این مناظر شدہ بود و قصد عزیمت از ہرات را نداشت مدت چہار سال گذشت و کسی ہم جرات نداشت چیزی بگوید در نہایت بہ رودکی پناہ بردند و از او خواستند کہ شاہ را طرف بخارا حرکت دہد. زمانی کہ شاہ سرگرم نوشیدن شراب بود رودکی این شعر را سرود:

بوی جوی مولیان آید ہمی یاد یار مہربان آید ہمی

ریگ آموی و درشتیہای او زیر پایم پرنیان آید ہمی

آب جیحون با ہمہ پہنآوری خنگ ما را تامین آید ہمی

ای بخارا شادباش و شادزی شاہ سویت میہمان آید ہمی»

(رودکی، 1365: 75)

این اتفاق نشان می دهد که در آن عصر همه چیز در دسترس همگان قرار داشته است و همه در خوشی و شادی به سر می برده اند و مملکت در امنیت کامل قرار داشته است و از جنگ و خونریزی که موجب یأس و ناامیدی است، هیچ خبری نبوده است و آسایش و آرامش مطلق در همه جای مملکت وجود داشته است و این موجب شده بود که حتی شاه با خیال راحت در نهایت آرامش به سفرهای دور و دراز بپردازد و برای مدت زمانی طولانی پایتخت را رها کند و در شهرهای دیگر به خوشی و سرگرمی مشغول باشد.

« منوچهر در توصیف مناظر خودت ید طولانی دارد، در تمهید قصاید خود در وصف صحرا ، دشت ، چمن و سبزه، ابر، آب ، هوا ، گل و بلبل به قدری مطلوب است، که اگر آن شعرهایی که سروده ، جمع آوری شود مجموعه ای بسیار عمده و نفیس در شاعری طبیعی آماده خواهد شد.

توجه منوچهری به مناظر طبیعت نیز از روحیه ی شاد او حکایت می کند، زیرا اگر کسی در ناراحتی و یأس و ناامیدی به سربرد هیچگاه نمی تواند که اشعاری بسراید که پرازشور و شوق و عیش و مستی باشد. (همان: 150 - 151)

رودکی شاعر قرن چهارم نیز در اشعار خود از خوشی و شادی فراوانی یاد می کند.

| | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| « هر باد که از سوی بخارا به من آید | با بوی گل و مشک و نسیم سخن آید |
| بر هر زن و هر مرد کجا بوزد آن باد | گوی می مگر آن باد همی از ختن آید |
| نی نی ، ز ختن باد چو خوش نوزد هیچ | کان باد همی از بر معشوق من آید |
| هر شب نگرانم به یمن تا تو بر آیی | زیرا که سهیلی و سهیل از یمن آید |
| کوشم که بیوشم صنما نام تو از خلق | تا نام تو کم در دهن انجمن آید |
| با هر که سخن گویم اگر خواهم و گر نی | اول سخنم نام تو اندر در دهن آید» |

(رودکی ، 1373: 26)

فرخی شاعر درباری، علاوه بر اشعار مدحی که در دیوان او به وفور یافت می شود، به سرودن اشعاری در وصف بهار و طبیعت نیز دست زده است که نمونه ی زیر از آنگونه اشعار است:

« بوستان سبز شد و مرغ درآمد به صفیر

ناله ی مرغ دلارام تر از نغمه ی زیر

ابر فروردین گویی به جهان آذین بست

که همه باغ پرند است و همه راغ حریر

گه زره باف شود باد گهی جوشن روز

باد را طبع شد این بیشه ز زراد امیر

از فراوان زره طرفه و از جوشن نغز

کرد چون کلبه ی زراد و همی روی غدیر

آب در جوی زباران بهاری و ز سیل

همچنان گشت که با سرخ می آمیخته شیر

ای به عارض چومی و شیر! فرا پیش من آی

بربط من به کفم برنه و نصفی بر گیر

ساغری پنج و شش اندرده و شعری برخوان

شعرهایی سره و معنی او طبع پذیر

شعر خوش بر خوان، کز بهر تو خواهیم خواندن

مدح آن خواجه ی آزاده ی معدوم نظیر»

(فرخی، 1373 : 60)

« در قرن چهارم علاوه بر این که به شعر توجه می شد اساس و بنیان انتشار کتاب نیز در این دوره بنیان نهاده شده از جمله قدیمی ترین کتب انتشار یافته به زبان فارسی در قرن چهارم نگارش یافتن شاهنامه ها و داستان های قهرمانی منشور بوده است. علت آنست که ایرانیان در دنبال نهضت ملی خود که در تمام قرن دو م و سوم استوار داشت و به دست آوردن استقلال

سیاسی و ادبی و به فکر تدوین تاریخ قدیم و ذکر سرگذشت نیاکان خویش افتادند. از جمله این کتاب ها می توان شاهنامه ی ابوالموید بلخی و شاهنامه ی ابو منصور ی را نام برد.»

(صفا، 1383: 146)

2-5 آغاز عهد سلجوقی تا انقراض دولت خوارزمشاهی

« در برابر این تعصب و چیرگی غلامان و قبایل زردپوست، ایرانیان به تدریج عوامل و اسباب مقاومت را از دست می دارند. از دست دادن این مقاومت صورت ظاهری و مادی نداشت بلکه خطر آن بیشتر از آن باب بود که جنبه ی معنوی و نفسانی داشت.

در وضع دینی این عهد موضوع مهم قابل بحث توجه امرا و سلاطین است به سیاست دینی و دخالت در عقاید و آراء مردم، خلاف دوره پیشین که دوره ی آزادی اعتقادات و مذاهب بود و سختگیری در این راه فقط وسیله ی غلامان امارت یافته ی غزنوی آغاز شد. محمود نخستین کسی از سلاطین ایرانست که شروع به آزار مخالفان مذهبی خود کرد و امامان معتزلی و فیلسوفان و قرمطیان را هر جا که به چنگ آورد کشت.» (همان، 1383: 185-186)

« این دوره ، دوره ی پر اضطرابیست که از بر افتادن حکومت غزنوی در خراسان و انقراض سلسله های ایرانی آغاز می شود و باجگیری های پیاپی قبایل و غلامان ترک و تشکیل سلسله هایی از روسای قبایل بزرگ و کوچک زرد پوست و غلامان و سرداران آنان در تمام خاورمیانه و خاور نزدیک همراه هست . این دوره همراه هست با حملات پیاپی غزان و خرلخیان و ختائیان در خوارزمیان بر بلاد ماوراء النهر و خراسان و قتل و غارت هایی که اگر به حمله ی خون آشامان معنوی تاتار منتهی نمی گشت، غالب آن حوادث خونین سالیان دراز دیگر در یادها می ماند.» (همان: 185 - 186)

2-6 قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم

زبان وادبیات فارسی در این دوره بسیار توسعه می یابد وتعداد شاعران ونویسندگان دراین دوره روبه فزونی است زیرا شعرونثرفارسی به محیط های دیگر نیز وارد می شود واین امر موجب توسعه ی شعر ونثر می شود. شاعران دراین دوره مورد احترام فراوانی بودند و پادشاهان با شاعران درسفرهمراه بودند وبا آن ها به عیش ونوش مشغول بودند.

شاعران به مسائل عرفانی روی آورمی شوند وشعرآن ها درون گرا می شود.

نمونه ی شعرنظامی گنجوی:

« روزخوش عمربه شب خوش رسید

خاک به باد، آب به آتش رسید

صبح برآمد چه شوی مست خواب؟

از سردیوارگذشت آفتاب

بگذراز این پی که جهانگیری است

حکم جوانی مکن این پیری است»

(نظامی، 1384: 87)

« از مسائل قابل توجه در شعر فارسی در این دوره یکی بدبینی شدید شاعران در شعر است. نابسامانی وضع اجتماعی در این عهد و مشکلاتی که برای خلائق از جهات مختلف وجود داشت. به نحوی که دیده ایم به ناخشنودی عقلا از اوضاع زمان و در نتیجه بدبینی آنان نسبت به دنیا و مافیها و انقطاع از جهان و جهانیان انجامید. در شعر دوره ی قبل فکر انقطاع شاعر از عالم و عالمیان و بدبینی او به جامعه و محیط تقریباً نایاب بوده اما در این دوره این افکار به شدت و در اشعار اکثر شاعران دیده می شود و کمتر کسی است که از تسلط غلامان و قبایل وحشی زرد پوست و از غلبه ی عوام و متظاهران به دین و رواج فساد و دروغ و تزویر و قتل و غارت و ظلم و عدوان و امثال این امور شکایت نکند.»

(صفا، 1383: 247)

« شعر و ادب بلکه تمامی علوم و فنون اسلامی در اوج کمال بود که ناگهان سیل بنیان کنی از سمت تاتار سرازیر شده دنیای اسلام را سراسر زیر و رو نمود چنگیز در 617 هجری از تاتار سر بلند کرده و از خراسان گرفته تا شام آنچه بود و نبود همه را به باد فنا داد، قریب به چهار میلیون را کشت، هزاران شهر را با خاک یکسان کرد. مدارس و مساجد تماماً ویران و کتابخانه ها همه بر باد رفتند.» (شبلی نعمانی، 1363: 1 (جلد دوم))

بدبینی و ناامیدی در این دوره رواج فراوان داشت. همه از بیم جان خود به نواحی مختلف پناهنده می شدند و هیچ گونه امنیت جانی برای خود نمی دیدند و این برای آن ها از مرگ نیز بدتر بود. زندگی برای آنان هیچ ارزشی نداشت و گویی همه جا را گرد